



درس فارح فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: القول فیما يجب فيه الخمس - الرابع: الغوص
موضوع جزئی: مقام سوم: اعتبار نصاب - مقدار نصاب در غوص
سال ششم

تاریخ: ۱۳ مهر ۱۳۹۴
مصادف با: ۲۱ ذی الحجه ۱۴۳۶
جلسه: ۱۱

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

قول چهارم

قبل از اینکه فرع سوم را شروع کنیم لازم است به یک مطلبی که بعضی از اعظام فرمودند و می‌تواند به عنوان قول چهارم در مسئله نصاب مطرح شود، اشاره کنیم؛ ما گفتیم در باب نصاب در ما یخرج من البحر سه قول وجود دارد: یک قول، قول مشهور است که قائل به اعتبار نصاب بودند و مقدارش را یک دینار می‌دانند. قول دوم قول شیخ مفید است که نصاب غوص را بیست دینار می‌داند و قول سوم هم قول به عدم اعتبار نصاب است. اما مرحوم آقای حائری عبارتی در کتاب خمس دارند که به نوعی می‌تواند به عنوان قول چهارم که نوعی تفصیل در مسئله است، تلقی شود.

عبارت ایشان این است «والاحوط عدم ملاحظه النصاب الا ما كان مثل الجواهر و اخرج بالغوص»^۱. ایشان می‌فرمایند احوط آن است که نصاب لحاظ نمی‌شود مگر در مثل جواهر آن هم به شرط آنکه بالغوص خارج شده باشد. البته ایشان در اینجا احتیاط واجب کرده و فتوا نداده است، ظاهر این عبارت این است که در مثل جواهر نصاب ملاحظه می‌شود و در غیر اینها نصاب ملاحظه نمی‌شود.

این به حسب ظاهر یک تفصیلی در مسئله است چون می‌گوید نصاب یک دینار در چیزهایی مثل جواهر که از دریا خارج می‌شود معتبر است و در غیر اینها نصاب ملاحظه نمی‌شود یعنی هر مقدار که باشد، باید خمسش داده شود. از یک جهت این ممکن است قول مستقلی باشد چون بین مثل جواهر و بین غیر اینها تفکیک کرده است. (اگر ما دامنه غیر جواهر را منحصر در عنبر و ماهی و اینها نکنیم، چون در رابطه با چیزی مثل عنبر یا ماهی که از دریا خارج می‌شود یک بحثی است که بعداً متعرض آن می‌شویم).

ما قبلاً گفتیم در باب خمس در باب نصاب باید از چند جهت بحث کنیم: یکی از جهت کیفیت اخراج بود و یکی از جهت جنس مخرج که آیا این مختص به جواهر است و نیز از بین جواهرات اختصاص به لؤلؤ دارد؟ یا غیر جواهرات را هم در برمی‌گیرد (این را بعداً مورد بررسی قرار می‌دهیم) به هر حال اگر بگوییم عبارت «الا ما كان مثل الجواهر» در مقابلش غیر مثل جواهر، عبارت است از عنبر و سمک و امثال اینها، این یک قول مستقلی نیست ولی اگر ما بگوییم چیزهایی که از دریا خارج می‌شوند هم جواهر می‌تواند باشد و مانند جواهر و نیز شیء ارزشمندی ممکن است در عمق آب وجود داشته باشد ولو از سنگ‌های قیمتی هم نباشد مانند یک گیاه یا گلی که در عمق آب روییده می‌شود و ارزشمند است. آن وقت می‌توانیم این را به عنوان یک قول مستقل به حساب بیاوریم.

۱. کتاب الخمس، ص ۱۴۱.

پس این عبارت هم می‌تواند ناظر به یک قول مستقل باشد که تفصیل در نصاب بین جواهر و مثل جواهر و غیر اینها است و هم می‌تواند به عنوان یک قول مستقل نباشد، یعنی بگوییم غیر مثل جواهر، می‌شود همان عنبر و سمک که دیگران هم نصاب را در آن معتبر نمی‌دانند. ولی از باب احتیاط یا از باب مطلق فایده به خمس قائلند.

دلیل قول چهارم

اما دلیلی که ایشان برای این احتیاط ذکر کرده، شاید به نوعی مشعر به این باشد که این یک قول مستقلی است. دلیل ایشان روایت بزنتی است چون می‌گوید روایت بزنتی بر خمس دلالت می‌کند در چیزی که از دریا خارج می‌شود من اللؤلؤ و الياقوت و الزبرجد؛ یعنی هر چه ذکر شده از جواهرات است، حال منحصر به این سه تا نیست ولی مواردی که ذکر شده، همه از جواهرات است. «سألت ابا الحسن عما يخرج من البحر من اللؤلؤ و الياقوت و الزبرجد و عن معادن الذهب و الفضة» امام (ع) فرمود: «اذا بلغ قيمته ديناراً يجب الخمس»؛ چون سؤال از خصوص جواهرات است، جواب امام هم در باب نصاب به همین چیزی که در سؤال ذکر شده برمی‌گردد. به عبارت دیگر سؤال از غوص جواهراتی است که از دریا خارج می‌شود؛ امام (ع) هم فرمود اگر به یک دینار برسد خمسش واجب است. پس نصاب مختص به جواهر می‌شود.

بعد ایشان در ادامه می‌فرمایند: هر چند سؤال از ما يخرج من البحر است ولی این انصراف دارد به خصوص غوص لذا ایشان در عبارتش اینگونه فرمود: «الاحوط عدم ملاحظة النصاب الا ما كان مثل الجواهر و أخرج بالغوص»؛ ایشان برای غوص، خصوصیت قائل است. می‌گوید اگر می‌خواهد به جواهر خمس تعلق بگیرد باید بالغوص خارج شود و به یک دینار برسد لذا ادعای ایشان این است که آنچه که در سؤال این روایت آمده، انصراف به خصوص ما يخرج بالغوص دارد.

بررسی دلیل قول چهارم

این دلیل به نظر ما تمام نیست؛ چون روایت دلالت بر حصر نصاب در جواهر و مثل جواهر نمی‌کند. در واقع در روایت سؤال از نصاب چیزی شده که از آب خارج می‌شود و ذکر یاقوت و زبرجد و لؤلؤ به عنوان مثال است نه اینکه ما از این استفاده کنیم فقط خصوص جواهر متعلق خمس است. پس جواهر خصوصیتی ندارد یعنی از روایت این فهمیده نمی‌شود اما این ادعا که سؤال منحصر به غوص است یعنی چیزی که بالغوص از آب خارج شود، این هم پاسخش قبلاً داده شده است که غوص در این روایات خصوصیت ندارد.

علی ای حال چون به نظر رسید که این عبارت به نوعی می‌تواند یک قول چهارمی در مسئله باشد، برای اینکه چیزی فروگذار نشده باشد، این قول را هم ما مورد بررسی قرار دادیم. در هر حال حق در مسئله همان است که گفتیم و حق با مشهور است و اینکه نصاب معتبر است و مقدارش هم یک دینار است.

مسئله سوم

متن تحریر: «لو اخرج الجواهر من البحر، ببعض الآلات من دون غوصٍ يكون بحكمه على الأحوط»؛ این یکی از سه فرعی است که امام (ره) در مسئله سوم متعرض شدند. یعنی در واقع در مسئله سوم امام درباره سه موضوع بحث می‌کنند و سه موضوع را متعرض شده و حکمشان را بیان کردند:

۱. خروج جواهر از دریا به سبب آلت بدون غوص.

۲. خروج جواهر بنفسه و أخذ آن بدون غوص در ساحل.

۳. خروج جواهر بنفسه و أخذ آن از سطح آب.

موضوع اول

عبارتی که خوانده شد پیرامون موضوع اول یعنی خروج جواهر از دریا به سبب آلت بود؛ موضوع اول خودش دو صورت دارد چون اخراج الجواهر من البحر ببعض الآلات تارةً من دون غوصٍ است و اخرى مع الغوص است.

صورت اول

ممکن است کسی داخل در آب بشود یعنی غوص محقق شود لکن بالآلة آن جواهر و آن شیء را استخراج کند. مثلاً تور و قلاب و طنابی را با خود به داخل آب میبرد و به آن شیء وصل می‌کند و آن را بالا می‌آورد. در اینجا اخراج الجواهر من البحر مع الغوص صدق می‌کند ولی این مورد محل بحث امام (ره) نیست. در این مورد ظاهراً اختلاف هم نیست چون کسی که به عمق آب می‌رود و با ابزار و آلات این جواهر را خارج می‌کند، در هر صورت صدق عنوان غوص بر این می‌شود. لذا حتی طبق مبنای کسانی که غوص را هم معتبر می‌دانند، از جمله خود امام (ره)، اینجا صدق عنوان غوص می‌کند بنابراین متعلق خمس هست زیرا در صدق عنوان غوص مسئله مباشرت و عدم وجود آلت و ابزار مدخلیت ندارد. همین مقدار که کسی از داخل آب چیزی را بیرون بیاورد، از نظر عرف صدق عنوان غوص می‌کند. حال اگر چیزی بالغوص از دریا خارج شد، این قطعاً متعلق خمس هست لذا این مورد محل اختلاف نیست و طبق مبنای کسانی که غوص را معتبر می‌دانند هم متعلق خمس است.

صورت دوم

صورت دوم جایی است که جواهر را از دریا بدون غوص خارج کند، (عبارت امام ناظر به حکم این صورت است) یعنی با قایق روی سطح آب نشسته و با یک تور و یا قلاب این جواهر را بیرون می‌آورد. امام (ره) می‌فرمایند: «لو أُخرج الجواهر من البحر ببعض الآلات من دون غوص یکون بحکمه علی الأحوط»؛ امام (ره) حکم به لزوم خمس کرده است در مورد شخصی که با ابزار و آلات چیزی را از دریا خارج می‌کند لکن امام احتیاط و جویی کرده‌اند و فتوا نداده‌اند. علت اینکه فتوا نداده‌اند، روشن است؛ برای اینکه اینجا صدق عنوان غوص نمی‌کند و امام از کسانی است که غوص را معتبر می‌داند در تعلق خمس، لذا ما گفتیم نظر ایشان متمایل به قول اول است. یا نهایتش قول سوم که در هر دو صورت غوص مدخلیت دارد، در هر صورت به نظر ایشان صدق عنوان غوص در تعلق خمس مدخلیت دارد یعنی باید به داخل آب برود و چیزی را خارج کند.

در حالی که فرض ما جایی است که غوص محقق نشده و کسی در آب نرفته است. روایت حلبی هم که به نظر امام یک روایت صحیح و معتبری است روی عنوان غوص تأکید دارد بنابراین نمی‌توانسته بگوید یجب فیہ الخمس؛ پس وجه اینکه فتوا به وجوب خمس نداده‌اند روشن است. اما سؤال این است که حالا با توجه به اینکه در اینجا غوص محقق نیست یعنی عنوان غوص که در صحیح حلبی موضوع وجوب خمس قرار گرفته تحقق ندارد پس چرا باز هم حکم به لزوم خمس به نحو احتیاط و جویی کرده‌اند؟ اگر عنوان غوص نیست باید بگویند در اینجا خمس واجب نیست اما فرموده‌اند: «یکون بحکمه علی الاحوط» یعنی: "یکون بحکم الغوص بنا بر احتیاط واجب" معنایش این است که در اینجا خمس واجب است. عملاً مکلف باید خمس دهد لکن در اینجا احتیاط واجب فرموده‌اند.

وجه این احتیاط چیست؟ روایاتی که در آنها عنوان «ما یخرج من البحر» ذکر شده از جمله روایت عمار بن مروان، اینها هر چند ممکن است از نظر اعتبار مثل صحیحہ حلبی نباشند ولی بالاخره روایاتی هستند که خمس را در «ما یخرج من البحر» ثابت کرده‌اند و اعتبار این روایات نزد امام ثابت نشده است، هر چند مؤیدی برای این روایات وجود دارد اما در عین حال آن اعتمادی که امام (ره) به صحیحہ حلبی دارند به این روایات ندارند اما مع ذلک روایات متعددی است که خمس را در ما یخرج من البحر ثابت کرده است هر چند عنوان غوص محقق نشده باشد لذا امام (ره) به ملاحظه این روایات، خمس را به نحو احتیاط، واجب کرده‌اند یعنی گفته‌اند یکون بحکمه علی الاحوط.

حق در مسئله

اما طبق مبنای ما که گفتیم موضوع خمس در باب غوص ما یخرج من الماء، در مقابل ما یخرج من الأرض است اعم از اینکه بالغوص باشد یا به غیر الغوص؛ من البحر باشد یا من الأنهار، در هر صورت خمس واجب است. لذا طبق مبنایی که ما اختیار کردیم می‌توان فتوا به وجوب خمس داد و دیگر جایی برای احتیاط نیست.

موضوع دوم

متن تحریر: «نعم لو خرجت بنفسها علی الساحل او علی وجه الماء فأخذها من غیر غوصٍ تدخل فی ارباح المكاسب لا الغوص اذا كان شغله ذلك فيعتبر فيها اخراج معونة السنة و لا يعتبر فيه النصاب»؛ بله! اگر جواهر خود به خود از آب خارج شود و در کنار ساحل قرار بگیرد و شخص آن را اخذ کند بدون اینکه غوص محقق شود (مثلاً کنار ساحل قدم می‌زند و مروارید را برمی‌دارد) به آن، خمس از باب غوص تعلق نمی‌گیرد، بلکه از باب ارباح مکاسب و سودهایی که از باب کسب و کار بدست می‌آید خمس آن واجب می‌شود. لکن یک شرط دارد (در صورتی داخل در عنوان پنجم یعنی ما یفضل عن مؤونة السنة می‌شود) که آن هم این است که شغلش این باشد که کنار ساحل برود و آنها را اخذ کند. آنوقت اثر خروج از عنوان غوص و دخول در عنوان ارباح مکاسب یعنی عنوان پنجم این است که اولاً نصاب در آن معتبر نیست (اگر کسی الان می‌رود کسب و کار می‌کند، تجارت می‌کند، از یک قران یا یک میلیارد هر چه نصیبش می‌شود، خمس دارد ولی دیگر نصاب معتبر نیست) و اینکه خمس بعد از اخراج مؤونه سنة واجب می‌شود و این ثمره ورود در عنوان ارباح مکاسب است ولی اگر اتفاقی آن را پیدا کرد و شغلش این نبود داخل در عنوان فائده می‌شود

بحث جلسه آینده: حال اینکه دلیل این حکم چیست را ان شاء الله در جلسه آینده عرض خواهیم کرد.

«الحمد لله رب العالمين»